

نقل قول



رئیس جمعیت هلال احمر در دیدار با جمعی از سفرای ایران در کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و آسیا
دیپلماسی سلامت؛ عامل تقویت صلح پایدار

دیپلماسی سلامت موجب دوستی بین ملت‌ها و تقویت صلح پایدار است. مراکز سلامت جمعیت هلال احمر ایران در کشورهای آفریقایی، آمریکای لاتین و آسیا، بازوان توانمند شما در تقویت صلح و ارتباطات حسنه بین‌المللی هستند.

انتظارم این است که تسهیلگری و کمک شما به مراکز سلامت برون مرزی هلال احمر، مستمر و با حداکثر ظرفیت و توان باشد تا پیام صلح کشورمان با نگاهی بشردوستانه به دنیا مخابره شود. در یک سال و نیم گذشته، همکاری‌های بسیار خوبی صورت گرفته که اوج آن در زلزله اخیر ترکیه و سوریه، زلزله خوست در افغانستان و سیل پاکستان بود. نگاه هلال احمر به فعالیت‌های برون مرزی غیرسیاسی، دوستانه و صلح‌طلبانه است. در برنامه‌ای که امیرعبداللهیان به مجلس ارائه کرده بود بر موضوع توریسم سلامت تاکید شده، چراکه این موضوع برای کشورها بسیار حائز اهمیت است. توریسم سلامت و تقویت این حوزه از اولویت‌های ماست. مراکز سلامت جمعیت هلال احمر در کشورهای دور و نزدیک مناسب‌ترین بستر موجود برای جذب توریسم سلامت است.

میزخبر

دکتر کولیوند در سفر به استان همدان:

هزار خودروی نجات و ۳۰۰ آمبولانس به ناوگان امدادی اضافه می‌شود



پیرحسین کولیوند در دیدار با امدادگران و مدیران هلال احمر ملایر با بیان اینکه تکلیف داریم لوازم امدادی لازم را برای عملیات‌های نجات و امدادگران حاضر در صحنه تامین کنیم، اما محدودیت بودجه‌ای مانع می‌شود، ادامه داد: «باید منابع پایداری برای تامین بودجه لازم به خصوص در زمینه امداد و نجات در نظر گرفته شود. به عنوان مثال، می‌توان بخشی از عوارض آزادراهی یا سایر هزینه‌های دریافتی مثل بیمه در برنامه‌های حمل و نقل را برای پوشش امدادی جاده‌های کشور در نظر گرفت.»

او افزود: «امداد هوایی نقش موثری در پاسخ به حوادث دارد، ولی در حال حاضر تعدادی از بالگردهای هلال احمر را به دلیل عدم تامین منابع مالی لازم، نمی‌توان تعمیر و نگهداری کرد و متأسفانه زمینگیر شده‌اند.»

کولیوند ۱۴۰۲ را سال تجهیز و نوسازی ناوگان امدادی دانست و بیان کرد: «مصمم هستیم که در سال جاری وضعیت لجستیکی جمعیت را ترمیم کنیم. خوشبختانه امسال یک هزار دستگاه خودروی نجات و ۳۰۰ دستگاه آمبولانس جدید به ناوگان امداد و نجات هلال احمر اضافه می‌شود. اما این میزان خود روپاسخگوی نیازهای مانعیت، است. او در ادامه گفت: «اگرچه جمعیت هلال احمر در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی کارهای بزرگی در کشور انجام می‌دهد، اما مردم و مسئولان بیش از هر چیز دیگر این جمعیت را به خدمات امداد و نجات و مقابله با سوانح طبیعی می‌شناسند و اکنون امکانات لجستیکی ما برای انجام عملیات‌های امداد و نجات در حوزه زمینی، هوایی و دریایی به هیچ وجه تناسبی با نیازهای ما ندارد.»

امدادگری در هلال احمر ادامه راه شهداست

رئیس جمعیت هلال احمر تاکید کرد: «امروز پاسداشت خون شهیدان امدادگر با فعالیت‌های بشردوستانه امدادگران و نجاتگران محقق می‌شود.»

پیرحسین کولیوند ادامه داد: «شهادی ما موشمول نعمت الهی هستند، همچنان که پیامبر اسلام، بزرگان و صالحین. معتقدیم که در هلال احمر راه، همان راه صالحین و صراط مستقیم است.»

رئیس جمعیت هلال احمر افزود: «امدادگران و کارکنان هلال احمر رهرو شهدای امدادگر هستند و وقت و سرمایه خود را صرف کمک به مردم و نجات آنها می‌کنند و چه کار خیری بهتر از امدادگری و نجات جان انسان هاست.»

در این مراسم، با حضور استاندار همدان از آقای حیدری، نامه‌رسان اداره جست‌وجوی اسرا و مفقودین جنگ در جمعیت هلال احمر، قدردانی شد. حیدری در سال‌های جنگ و پس از آن، حدود ۵۵ هزار نامه اسرای ایرانی را که توسط کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و هلال احمر به همدان می‌رسید، به دست خانواده‌های آنها رساند.

همچنین کولیوند با اهدای نشان قدردانی به والدین شهدای امدادگر همدان و تعدادی از امدادگران پیشکسوت هلال احمر در جنگ عراق با ایران از زحمات آنها در سال‌های سخت دفاع مقدس تشکر کرد.

اخبار به روایت اعداد

۱۵۶ هزار نفر از مردم استان خوزستان از خدمات عام‌المنفعه داوطلبان هلال احمری بهره‌مند شدند.

۶ شهرستان اردبیل، سریع‌ترین، گرمی، همگین، شهر بیله‌سوار و یارس آباد در استان اردبیل در محاصره سیل و آبگرفتگی قرار گرفتند

۱۴ میلیارد و ۴۵۰ میلیون ریال خدمات در قالب اجرای طرح هلال رفت به نیازمندان خراسان جنوبی ارائه شده است



خاطره بازی با ۳ برگزیده دوازدهمین آیین اعطای تندیس فداکاری کشور

جایزه‌ای تقدیم به همه هلال احمری‌ها

«مرضیه موسوی» می‌گوید نجات جان انسان‌ها و تلاش در راه کاهش آلام بشری، شیرینی‌ای در دل‌شان می‌کارد که وصف‌شدنی نیست؛ حلاوتی که طعمش هیچ‌وقت فراموش نمی‌شود و به زندگی‌شان معنا می‌دهد. اعضای جوانان هلال احمر که برگزیده تندیس فداکاری شده‌اند، خود را عضوی از خانواده بزرگی می‌دانند که همه اعضای آن شایسته تقدیرند. از خود گذشته‌گی و ایثار اولین و مهم‌ترین شرط عضویت در این خانواده بزرگ است. کافی است پای صحبت‌های این جوانان نشسته باشید تا ببینید جایزه‌ای که عنوان جوان فداکار کشور را پیک می‌کشد، چرا در دستان این افراد جای گرفته است. دوازدهمین آیین اعطای تندیس فداکاری به جوانان علاوه بر تقدیر از جوانان برگزیده، تقدیر از رئیس جمعیت هلال احمر، رئیس سازمان جوانان و دبیرکل جمعیت را به همراه داشت؛ آن هم به پاس بیش از ۱۰۰ سال خدمت بی‌منت بزرگ‌ترین نهاد داوطلبی کشور.

کشورهای زیادی پیشنهاد دادند تا کیت‌ها را در جای دیگری و با سرمایه‌گذاری آنها تهیه کنیم، ولی من تصمیم گرفتم همین جا، در ایران و برای مردم ایران این کار را انجام دهم. «خیلی زود با ایده‌های شبیه به کاروان‌های سلامت، تیم‌های پزشکی برای انجام خدمات داوطلبانه درمان ناباوروری به مناطق محروم مشهد روانه شدند. بعد هم استان تهران ویزد.»

این امدادگر مشهدی پای ثابت عملیات‌های مختلف هم هست و تجربه‌های مختلفی از لحظه نجات جان انسان‌ها دارد. سروقدی می‌گوید: «جمله‌ای از شهید باکری را هرگز فراموش نمی‌کنم؛ کار در راه خانه خستگی دارد و نه تمام می‌شود. ۱۰ روز در ماه، مثل هر امدادگر دیگری در شیفت‌های پایگاه حاضر می‌شوم. بارها در عملیات‌هایی که حاصل کار گروهی هستند، جان افراد را در چند قدمی مرگ نجات داده‌ایم و این برای من افتخار بزرگی است. عملیات کوهستانی که چند وقت پیش رفتم، یکی از این مأموریت‌ها بود که بعد از ۷ ساعت جست‌وجو، فرد مفقود شده در کوهستان را پیدا کردیم و به منطقه امن انتقال دادیم؛ این فقط یکی از هزاران لحظه شیرینی است که در هلال احمر تجربه کرده‌ام.»

اما فعالیت‌های بشردوستانه او به همین جا ختم نمی‌شود؛ راه‌اندازی کارگروهی برای کمک به کاهش آسیب‌های اجتماعی در حاشیه شهر مشهد، یکی از اقدامات مهمی است که با سایر داوطلبان این شهر به انجام می‌رسد.

سید محمد مهدی حسینی
استان کرمانشاه، شهر کرمانشاه
ماجرای نجات یک کودک

فعالیت‌های داوطلبانه اعضای جوان کرمانشاه در دوره کرونا اتفاقات مهمی را در این استان رقم زد؛ از همراهی با خانواده‌های کادر درمان و کمک تحصیلی به فرزندان آنان گرفته تا کمک به مبتلایانی که کسی را برای مراقبت نداشتند و ... «سید محمد مهدی حسینی» هم فعالیت در دوره کرونا را در موقعیت‌های مختلفی تجربه کرد. غریبالگری در مبادی مرزی، غریبالگری مسافران نوروزی، توزیع بسته‌های معیشتی و بهداشتی در مناطق محروم، کمک به واکسیناسیون کرونا و ... گوشه‌ای از فعالیت‌های این دانشجوی جوان بود. اما آنچه حسینی را در بین برگزیدگان تندیس فداکاری قرار داد، مجموعه‌ای از اقدامات بشردوستانه او در حوزه‌های مختلف، به ویژه امداد داوطلبانه بود.

او می‌گوید: «سال ۹۹ بود که برف و کولاک شدیدی در کرمانشاه رخ داد. روستاهای زیادی تحت تأثیر این حادثه جوی قرار داشتند و دسترسی به آنها به سختی ممکن بود. من به عنوان نجاتگر یکم پایگاه به همراه تیم به مأموریتی برای نجات جان زنی باردار اعزام شدیم. هوا بسیار سرد بود. اینکه خودروی ما به دلیل لغزندگی شدید جاده و هوای بورانی به دره سقوط کند، احتمال بعیدی نبود. با این حال، خودمان را به روستا رساندیم. حال را باردار و خیم بود و باید به سرعت به مرکز درمانی منتقل می‌شد. در میانه برف و یخبندان، او را در مسیری نه چندان کوتاه روی برانکارد به سمت خود روبرویدیم و بعد به هرزحمتی که بود به آمبولانس اورژانس که در ارتفاعی پایین تر قرار داشت، رساندیم.»

حسینی که تجربه ۱۲ ساله‌ای در فعالیت داوطلبانه در پایگاه‌های امدادی دارد، خاطرات زیادی از نجات جان انسان‌ها در حوادث در ذهنش ثبت شده است. یکی از شیرین‌ترین خاطراتش از نجات، به روزی از ایام نوروز اختصاص دارد: «در طرح ایمنی و سلامت نوروزی، در پست هلال احمر مشغول فعالیت بودیم. نزدیکی ما درختی بود که شهرداری برای روشن کردن چراغ‌های یک ایمن نوروزی، از لابه‌لای آن سیم برقی رد کرده بود. نوسان برق باعث جرقه و آتش سوزی درخت شد. درست در همان نزدیکی درخت، بچه‌های مشغول بازی بود. صحنه را که دیدم، بدون درنگ کپسول اطفای حریق را برداشتم و به سمت درخت رفتم. به تنها چیزی که فکرمی‌کردم این بود که باید هر طور شده درخت شعله‌ور را خاموش کنم. شعله‌ها داشت قدمی می‌کشید و کودک نمی‌توانست از نزدیکی درخت عبور کند و خودش را نجات دهد. بالاخره آتشی که به جان درخت افتاده بود، خاموش شد و این کودک با هیچ آسیبی، پیش خانواده برگشت. در همان حادثه، دو انگشت دست من دچار شکستگی شد، اما آنچه اهمیت داشت این بود که جان کودکی نجات پیدا کرد.»

زلزله‌زدگان کرمانشاه هنوز چهره او را به خاطر دارند که ۷۰ روز در منطقه عملیاتی، مشغول آواربرداری و کمک به خانواده‌های زلزله‌زده بود یا در بخش پشتیبانی، لوازم ضروری مورد نیاز را به خانواده‌های رسانی. حسینی می‌گوید: «فکرمی‌کنم همه اعضای هلال احمر شایسته دریافت این تندیس هستند.»

مهتاب‌بنی هاشمی
استان اصفهان، شهرستان خمینی شهر
تصمیم گرفتم بی‌اعتنا باشم

«مهتاب بنی‌هاشمی» رفته بود تا در دوره‌های آموزش همگانی هلال احمر شرکت کند و کمک‌های اولیه را فرا بگیرد که همان‌جا کمک‌گیر شد. چند وقتی از آشنایی‌اش با هلال احمر می‌گذشت که یک روز اعضای داوطلب هلال احمر خمینی شهر از او خواستند تباری توزیع غذای گرم بین خانواده‌های نیازمند مناطق محروم، به آنها کمک کند. مهتاب در ۲۷ سالگی به همراه تیم‌های داوطلبی به نقاط محروم شهر

پا گذاشت و چیزهایی دید که پیش از آن هرگز تصورش را هم نمی‌کرد. او می‌گوید: «برای توزیع غذای خانه‌های نیازمندان سر می‌زدیم. بچه‌های داوطلب چند دقیقه‌ای هم در خانه‌ها پیش اعضای خانواده می‌نشستند و با آنها صحبت می‌کردند. من در همین چند روز چیزهایی دیدم که هیچ‌وقت نمی‌دانستم که اصلاً ممکن است وجود داشته باشند! تماشای خانه‌هایی که بیشتر شبیه دخمه بودند، بادبوره‌های سیاه و دود گرفته، بدون فرش و هر وسیله دیگری، یکی، دو هفته اول سعی کردم آنچه را دیده‌ام، فراموش کنم. اما مگر می‌شد با خودم گفتیم اگر قرار باشد همه مردم این چیزها را ببینند و فراموش کنند که کسی برای کمک به نیازمندان باقی نمی‌ماند. از همان زمان تصمیمم را گرفتم تا به این جمع داوطلبی بپیوندم و به نیازمندان کمک

او خیلی زود پای خانواده و دوستانش را هم به عرصه‌های داوطلبی و کمک برای تامین نیازهای ضروری این خانواده‌ها باز کرد. تهیه مایحتاج غذایی، وسایل بهداشتی و کمک به درمان بیماران نیازمند از جمله یاری‌رسانی‌های همیشگی او به مددجویان بود. تا همین بچه‌ها برای دو خانواده نیازمند به کمک خیران و خانواده‌اش از شیرین‌ترین خاطرات داوطلبی‌اش است. او می‌گوید: «در یکی از بازدیدها برای زنی نسبتاً جوان که دوفروزند کوچک داشت، پوشک بزرگسالان ایزی لایف می‌بردم. اولین باری که دیدمش، متوجه دوری کردن بچه‌ها از مادرشان شدم. این زن که همسرش هم دچار اعتیاد بود، بیماری حاد مربوط به مئنه داشت. بچه‌هایش به خاطر بی‌اختیاری در ادرار، از مادرشان دوری می‌کردند. یک بار این زن به من گفت که بچه‌ها می‌گویند مادرشان را دوست ندارند. تصمیم گرفتم به هر زحمتی که هست برای بهبودی این زن کمک کنم.» ایام شیوع کرونا بود و هیچ‌یک از اقوام و آشنایان زن حاضر نشده بودند به عنوان همراه، در بیمارستان حضور یابند یا روند درمان و ... را پیگیری کنند. برای همین هم مهتاب خودش به تنهایی این بار را به دوش می‌کشید؛ از ویزیت و پیگیری پرورنده پزشکی گرفته تا مراقبت‌های بعد از عمل جراحی، ترخیص و ... مهتاب می‌گوید: «یک سال از آن روزها گذشته. این مددجویان یکی از زوستان من است و همچنان با هم در ارتباط هستیم. بزرگ‌ترین خوشحالی من این است که هر بار به خانه‌شان می‌روم، بچه‌هایش را می‌بینم که در آغوش مادرشان هستند و دیگر به اونمی‌گویند که دوستش ندارند.»

فعالیت‌های داوطلبانه و عام‌المنفعه در این سال‌ها برای مهتاب به محوری برای زندگی تبدیل شده. با چند خیریه و مرکز حمایتی از کودکان کار، زنان سرپرست خانوار، افراد دگرگرسوء مصرف مواد مخدر و ... همکاری نزدیک دارد. او می‌گوید: «وقتی به گذشته برمی‌گردم، می‌بینم که بهترین تصمیم، زندگی‌ام را گرفته‌ام، تصمیم گرفتم بی‌اعتنا به اطرافم باشم و هلال احمر در این زمینه به من کمک زیادی کرد.»

محمد جواد سروقدی
استان خراسان رضوی، شهر مشهد
امدادگر، مخترع، داوطلب

«محمد جواد سروقدی» فقط ۱۵ سال داشت که مطالعه روی ساخت کیت‌های درمان ناباوروری را شروع کرد. بعدها، وقتی در رشته مهندسی پزشکی در دانشگاه مشغول به تحصیل شد، این ایده را پال و پر داد و توانست آن را عملی کند. مدال برنز مسابقات بین‌المللی فدراسیون جهانی مخترعین در سال گذشته را از آن خود کرد و البته از این اختراع ثبت شده برای کمک داوطلبانه به زوج‌های ناباور نیازمند استفاده کرد. این دانشجوی رشته مهندسی پزشکی دانشگاه آزاد مشهد، ۲۲ سال دارد و تاکنون ۵ اختراع به نام خود به ثبت رسانده است. سروقدی علاوه بر اینها، امدادگر پایگاه مشهد هم هست و در عملیات‌های مختلف کوهستان، جاده و ... حضور فعال دارد. سروقدی می‌گوید: «سال ۹۸ بود که ایده ساخت این کیت‌ها عملی شد و به دلیل اثربخشی بالا، به عنوان یکی از ارزشمندترین اختراعات، جایزه جهانی گرفت. از آن زمان

